

نگاهی به رشته مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی به مثابه یک دوره بین رشته‌ای

زاهد غفاری هاشجین*

محمد آقائی**

چکیده

انقلاب اسلامی ایران به مثابه یک رویداد، مجموعه‌ای در هم تنیده از عوامل گوناگون و به عنوان یک جریان پیکری نامی از رخدادهایی بی‌شمار محسوب می‌شود. پر واضح است که برای مطالعه‌ی ابعاد گسترده چنین پدیده‌ای نیاز به مطالعات گسترده‌ای است. هدف این مقاله شناخت وجوه مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی در قالب بررسی دوره دکتری بین رشته‌ای طراحی شده و در حال اجرا است. از این رهگذر سوال اصلی پژوهش حاضر آن است که رشته‌ی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی چگونه توانسته است به شناختی جامع از حوزه‌ی معرفتی سیاسی انقلاب اسلامی دست یابد؟ یافته‌های پژوهش بر اساس روش کیفی تحلیل و مطالعات اسنادی که جمع‌آوری داده‌های آن مبتنی بر ابزار فیش برداری بوده است، نشان می‌دهد که قرار گرفتن مفهوم انقلاب اسلامی بر تقاطع چهار حوزه‌ی روش شناختی اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی، جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی اسلامی، آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، و بازتاب انقلاب اسلامی توانسته است به مثابه مدلی منسجم با کاربست چهار روش گوناگون و البته متقاطع به شناخت مناسب راجع به بعد سیاسی انقلاب

z_ghafari@yahoo.com

aghaei_1369@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۱۰

*. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد

** دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۱۵

اسلامی نایل شود.

واژگان کلیدی

مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، روش شناسی، اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی، جامعه شناسی سیاسی جمهوری اسلامی، آینده پژوهی انقلاب اسلامی، بازتاب انقلاب اسلامی.

۱. پیش درآمد

پر واضح است که معنوی عنوان رشته چیزی جز روش‌های منسجم و منظم برای طبقه بندی و برر سی پدیده‌ها نیست (آر و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۷۰). به عبارت دیگر رشته‌ها همان روش‌های کسب معرفت پدیده‌های گوناگون هستند که از منظری خاص و با ابزاری خاص به مطالعه‌ی پدیده‌ها می‌پردازند.

هر چند نگاه رشته محور به مذاق دسته‌ای از علوم خوش آمده و برای مطالعه‌ی آنها کارآمدی خود را اثبات نموده است، اما باید توجه داشت که بسیاری از علوم در دنیای امروز دیگر بسیط نیستند. به عبارت دیگر از تلفیق پدیده‌های گوناگون در جهان بیرون ماهیت‌هایی به وجود آمده که برای مطالعه‌ی آنها ناگزیر به کاربرد چند روش گوناگون نیاز است. از همین رو است که هم رشتگی و هم میان رشتگی دو الگوواره‌ی مسلط در دانش مدرن محسوب می‌گردند (Heidegger, 1997: 155).

به باور برخی اندیشمندان گذار از دوران مکانیکی به دوران شبکه‌ای عامل لزوم بین رشته‌ای شدن دانش شده است. به عبارت دیگر همان گونه که در وضع شبکه‌ای تغییر هر جزء مستلزم تغییر در کلیت یک برساخته است، برای مطالعه‌ی یک پدیده نیز لازم است آن را در کلیت خود و از زوایای مختلف مورد برر سی قرار داد (رژکوله، ۱۳۸۸: ۱۲). از طرفی قائلان به میان رشتگی به حدی در این زمینه پیش رفته‌اند که رگه‌هایی از افراط در دیدگاه‌های آنان قابل پیگیری است به حدی که به عنوان مثال از منظر آنها فهم تفاوت میان سه رشته‌ی حقوق، علوم سیاسی و جامعه شناسی خود به مشکله‌ای تازه تبدیل شده که تاکنون پاسخ روشنی به آن داده نشده است (خلیلی، ۱۳۸۹: ۸۸ - ۸۹). انقلاب اسلامی در کلیت خود یک مفهوم میان رشته‌ای است و مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی به عنوان یک حوزه‌ی بین رشته‌ای مستقل نیازمند کاربری چهار حوزه‌ی روش شناختی مختلف است تا ابعاد و حدود آن به درستی شناخته شود. هدف اصلی نوشتار حاضر آن است که نشان دهد رشته‌ی

دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی^۱ چگونه توانسته است با تلفیق چهار روش اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی، جامعه شناسی سیاسی جمهوری اسلامی، آینده پژوهی انقلاب اسلامی و بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام - به عنوان گرایش‌های اصلی - به شناخت جامع الاطراف از این پدیده دست یابد. برای این منظور ابتدا لازم است توضیحی در باب انقلاب اسلامی، نوع ورود به مطالعه‌ی آن، و ضرورت بین رشته‌ای انگاشتن آن آورده شود.

۲. بنیان‌های نظری؛ انقلاب اسلامی در سه چشم‌انداز و چهار روش

اساساً انقلاب اسلامی را در سه چشم‌انداز می‌توان مورد مطالعه قرار داد: اول آن که انقلاب اسلامی به عنوان یک واقعه و یا یک رویداد مورد مطالعه قرار گیرد. در این چشم‌انداز به صورت موردی انقلاب اسلامی ایران را که در بهمن سال ۱۳۵۷ در مرزهای سرزمینی ایران به پیروزی رسید مطالعه و ابعاد و زوایای آن را مورد بازشناسی قرار می‌گیرد.

در چشم‌انداز دوم انقلاب اسلامی به مثابه یک جریان انگاشته می‌شود، یک جریان سیال که طیف گسترده‌ای از انقلاب‌های اسلامی را در سرزمین‌های گوناگون و در دوران‌های مختلف در بر می‌گیرد (صدیقی، ۱۳۵۷: ۱۰۶)، در این چشم‌انداز مکان و یا سال وقوع یک انقلاب خاص اهمیتی ندارد، بلکه آنچه اهمیت دارد نگاه به یک مجموعه‌ای از انقلاب‌ها است که اسلامی بودن از منظر علم منطق فصل خاص همگی آنها محسوب می‌شود و انقلاب اسلامی ایران نیز نه به صورت متعین و مستقل بلکه در دل آن و در همان طیف قرار دارد.

در چشم‌انداز سوم انقلاب اسلامی به مثابه یک گفتمان در نظر گرفته می‌شود. در این نگاه انقلاب اسلامی دارای نظام ارزشی و کارکردی مختص خود است که در دیالکتیک سلب و ایجاب، معانی ارزشی و کارکردی خاصی را به خود گرفته و بالطبع دایره‌ای گسترده از مفاهیم را از خود دور نموده و ربطی عمیق و وثیق با قدرت سیاسی یافته است (ذوعلم، ۱۳۹۳: ۴۰ - ۴۴). در این نگاه انقلاب اسلامی به مثابه یک نظام وارّه معنایی انگاشته می‌شود که برای فهم آن ناگزیر به درک

۱. برنامه درسی مقطع دکتری رشته مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی با چهار گرایش در تیر ماه سال ۱۳۹۲ در هشتاد و سی و پنجمین جلسه شورای عالی برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به تصویب رسیده است و بر اساس مجوز دفتر گسترش آموزش عالی وزارت علوم از مهرماه ۱۳۹۳ در برخی از دانشگاهها و موسسات آموزش عالی دایر شده و دانشجویی پذیرد. برای مطالعه بیشتر این برنامه درسی ر. ک. به برنامه درسی مقطع دکترای مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی در سایت www.msrt.ir.

مفاهیم الگوواره‌ای آن در مقابل الگوواره‌های سایر نظام‌های معنایی هستیم.

۱ - ۲. به سوی روش

برای برسی انقلاب در هر کدام از این سه چشم‌انداز ناگزیر به استفاده از روشی خاص هستیم که بتواند مفاهیم مطروحه در آن را به دقت و به صورت جامع‌الاطراف مورد کاوش قرار دهد. بدیهی است که مطالعه‌ی اصل انقلاب اسلامی ماهیتی بین‌رشته‌ای دارد و حدود آن را باید در طیف گسترده‌ای از معارف جستجو کرد. متأسفانه چون قواره‌ی دانش‌های موجود با پیکره‌ی واقعی انقلاب اسلامی سازگار نبوده است تحلیل‌های علمی متقنی از این پدیده ارائه نشده است که بتواند تمام حدود آن را پوشش دهد (ذوعلم، ۱۳۹۳: ۴۴). به همین دلیل است که اکثر تبیین‌ها و به خصوص آینده‌نگاری و آینده‌پژوهی‌هایی که از این پدیده ارائه شده، هرگز جامع نبوده است (عیوضی، ۱۳۹۵: ۱۹۴). در ست در همین نقطه است که ضرورت تا سیس برنامه‌ای بین رشته‌ای مستقل در سطح عالی‌ترین مقطع تحصیلی برای مطالعه‌ی جامع حدود آن روشن می‌شود.

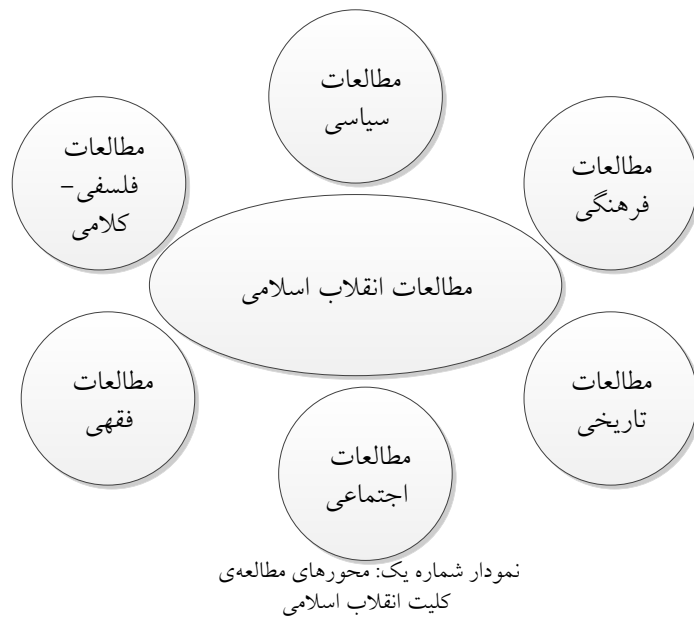
باید توجه داشت که اصولاً در علوم انسانی فقر روشی ناگزیری حاکم است که توانسته به صورت چشمگیری از اهمیت این طیف از دانش در میان اندیشمندان بکاهد (سریع‌القلم، ۱۳۸۶: ۶۱ - ۹۲) به عبارت دیگر هر چند علوم انسانی گرانیگاه تمام دانش‌های بشری محسوب می‌شود، ولی به واسطه‌ی دست و پا زدن در نوستالژی روش‌هایی که اختصاص به زمانی غیر از زمان حاضر دارد و همچنین عدم روزآمد کردن جریان‌های مسلط روش‌شناسی و تغییر و تبدل آنها به حوزه‌های کارآمد بین رشته‌ای، جایگاه رفیع خود را در میان متفکران بسیاری از دست داده است. این مشکل در علوم سیاسی به عنوان یک رشته‌ی مستقل نیز به چشم می‌خورد تا جایی که امروزه و در میان دانشمندان این رشته استفاده از روش‌های جدید در انجام پژوهش‌های گوناگون خود به مثابه یک امتیاز جدی مطرح است (حشمت‌زاده، ۱۳۸۹: ۳) و به خصوص در حوزه‌ی مطالعات انقلاب اسلامی معضل روش و اندیشیدن برای حل آن یکی از دغدغه‌های متخصصان این حوزه بوده است^۱ (افتخاری، ۱۳۸۷: ۷ - ۴۵). از سوی دیگر داشتن نگاه بین رشته‌ای به پژوهشگر یاری می‌رساند تا برای شناخت محدوده‌ی مفهومی یک موضوع از مرزهای رشته‌ای بیرون رفته و با ترکیب و ادغام رشته‌های مختلف دانشگاهی راهی جدید به سوی شناخت همه جانبه از موضوع به دست آورد، راهی که محدود

۱. در حوزه فقر روش شناختی مطالعات انقلاب اسلامی آثار متعددی به رشته‌ی تحریر در آمده است، برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک. به: حقیقت، ۱۳۸۲؛ هوشمندیار، ۱۳۸۸؛ سیدامامی، ۱۳۸۶؛ اردستانی، ۱۳۸۸.

به یک رشته و حدود آن نیست و از ابزارهای مختلف شناخت برای پیشبرد معرفت اندوزی بهره می‌برد (برزگر، ۱۳۸۷: ۳۶).

بعثت پیامبر اسلام ﷺ و دگرگونی‌های اسلامی ایجاد شده توسط آن حضرت به مثابه یک جریان سیال در طول تاریخ اسلام وجود داشته است، این دگرگونی‌ها در عصر جدید مولد امواجی گوناگون بوده است که از آنها به نام نهضت‌های اسلامی و یا اصلاح طلبی دینی یاد می‌گردد (مطهری، ۱۳۸۷: ۷). از این منظر انقلاب اسلامی را می‌توان یکی از همین نهضت‌ها به حساب آورد که در بستر این طیف از رویدادها و البته با الگوواره‌ای متفاوت و در فضایی متفاوت شکل گرفته است.

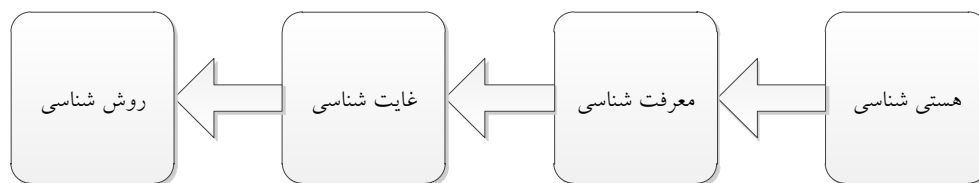
برای مطالعه‌ی این رویداد گفتمانی، لازم است کلیت انقلاب اسلامی را ذیل چند موضوع مورد مطالعه قرار داد تا به تبیینی جامع از آن دست یافت. این محورها در نمودار شماره یک بیان شده است.



۲-۲. تولد مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی با امتزاج چهار روش

به لحاظ تئوریک روش شناسی مطالعه‌ی روش‌ها و توجیه‌کننده‌ی شیوه‌های اقدام است (میلز، ۱۳۸۲: ۶۹). به عبارت دیگر وقتی تکلیف ما با هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و غایت‌شناسی روشن شد می‌توان شیوه‌ای خاص از اقدام و عمل را برای رسیدن به هدف انتخاب نمود که روش شناسی در انتخاب این شیوه و مشروعیت بخشیدن به آن کمک می‌کند (Harding, 1987: 2). در واقع روش

شناسی یکی از عناصر بنیادین شناخت محسوب می‌شود که خط مشی معرفت به یک هستی متعین بسیط یا مرکب را با مد نظر قرار دادن هدف نهایی مشخص و ممتاز می‌کند.



نمودار شماره دو: به سوی روش

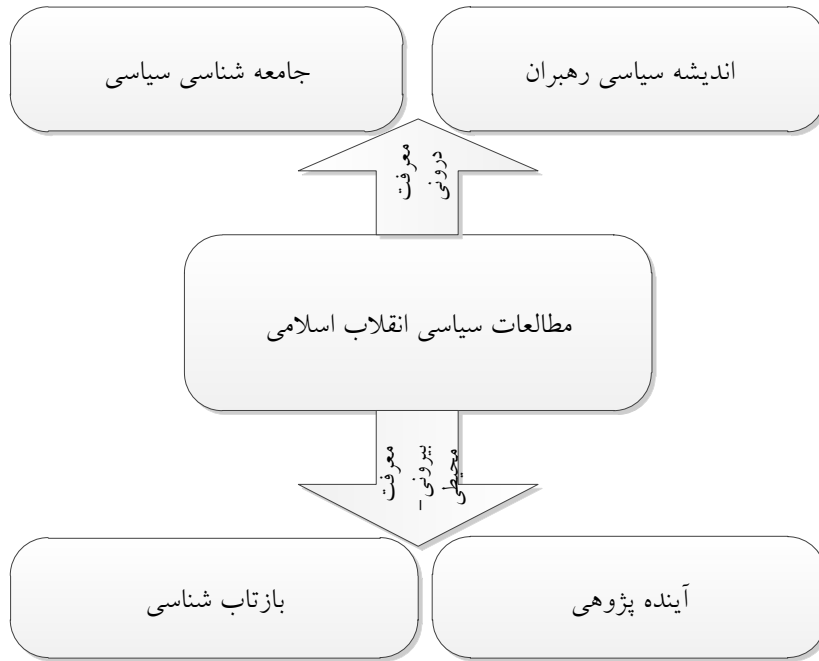
در واقع روش شناسی شیوه‌های گوناگون رسیدن به هدف غایی را برای فرد مشخص می‌کند و راه‌های متفاوتی را پیش پای او قرار می‌دهد و علاوه بر آن که به معرفی طرق گوناگون می‌پردازد، صحیح‌ترین راه ممکن را برای فرد مشخص می‌نماید (Carter & Little, 2007: 28). باید توجه داشت که غایت مهم‌ترین هدف یک فرد و یا یک مجموعه است، ممکن است فرد اهداف گوناگونی برای خود تعریف نماید و در پی دستیابی به تمامی آنها باشد ولی در این مجموعه اهداف یک هدف بسیار پر اهمیت وجود دارد که سایر اهداف را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد، هدفی که رسیدن به سایر اهداف مقدمه‌ای برای رسیدن به آن است. به عبارت دیگر غایت همان هدف نهایی است که تمامی اهداف خرد و میانه‌ی یک بازیگر در ذیل آن و در راستای آن تعریف می‌شود.

در سطور پیشین بیان شد که رشته‌ها همان روش‌های متفاوت شناخت مفاهیم هستند. با توجه به این تعریف از رشته، مشخص می‌شود که عنصر روش در شناخت ابعاد سیاسی انقلاب اسلامی همان گرایش‌های گوناگونی است که در راستای شناخت کلیت سیاسی انقلاب اسلامی در طراحی رشته‌ی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی به مثابه مطالعه‌ای میان رشته‌ای مد نظر قرار گرفته است.

در واقع برای شناخت سیاسی انقلاب اسلامی به خاطر ماهیت بین رشته‌ای آن منطقی نمی‌توان به کار بست تنها یک روش مبادرت نمود، بلکه لازم است امتزاجی از روش‌های متفاوت ولی متقاطع برای این مهم صورت گیرد به نحوی که حدود مفهومی آن را به گونه‌ای درخور و در قالب معرفت درونی به انقلاب، و معرفت محیطی - بیرونی در بر گیرد. یعنی بتواند از چشم انداز درونی ابعاد اندیشه‌ای رهبران، و ابعاد جامعه شناختی، و از منظر محیطی - بیرونی آینده نگاری و آینده پژوهی، و

۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک به: التهاوی، محمدعلی (۱۹۹۶)، موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت: مکتبه لبنان.

بازتاب انقلاب اسلامی در صفحه‌ی بین‌المللی را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.



نمودار شماره سه: اجزای مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی

۳. مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی به مثابه دانشی بین‌رشته‌ای

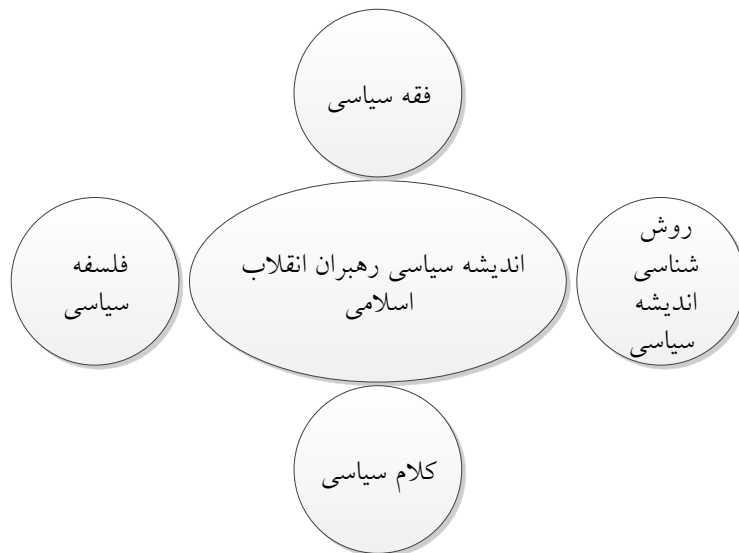
در بخش مبانی نظری مشخص گردید که مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی اساساً بر ساخته‌ای بین‌رشته‌ای است که در نقطه‌ی تقاطع چهار حوزه‌ی روش‌شناختی ایجاد گردیده است. نوع ساخت این حوزه‌ی مطالعاتی به گونه‌ای است که هم ابعاد درونی انقلاب اسلامی و هم ابعاد محیطی - بیرونی آن را در بر گرفته و از این‌جا باعث شناختی جامع‌الاطراف از مفهوم سیاسی انقلاب اسلامی می‌گردد.

باید توجه داشت که هر یک از ابعاد این چهارگانه‌ی روشی خود دارای حوزه‌ای مستقل هستند که مسائل گوناگونی را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر هر یک از گرایش‌های چهارگانه‌ی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی خود یک حوزه‌ی میان‌رشته‌ای است که از امتزاج روش‌ها / رشته‌های کلاسیک متفرد به وجود آمده است. برای فهم هر چه بهتر حدود هر یک از این چهار حوزه‌ی ارائه‌ی توضیحاتی مختصر لازم به نظر می‌آید که در همین بخش به آنها پرداخته می‌شود.

۱ - ۳. اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی

یکی از روش‌های مهم برای مطالعه‌ی انقلاب اسلامی آن است که ابعاد و زوایای گوناگون انقلاب اسلامی را از منظر رهبران انقلاب مورد مطالعه قرار داد. مطالعه‌ی اندیشه‌ی سیاسی رهبران انقلاب اسلامی از دو جهت دارای اهمیت است، اول آن که شکل‌گیری اندیشه‌ی سیاسی این بزرگواران نشئت گرفته از مفاهیم ناب اندیشه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) است و از این منظر شناخت اندیشه‌ی سیاسی ایشان یک گام مهم در شناخت فرهنگ سیاسی اصیل تشیع است. به عبارت دیگر مطالعه در اندیشه‌ی سیاسی رهبران انقلاب اسلامی راهی است که شناخت بنیان‌های فرهنگ سیاسی شیعه را امکان پذیر می‌سازد زیرا این اندیشه‌ها دقیقاً مطابق بر مدار بن‌مایه‌های تفکری شیعه است که از آب‌شخور معارف ناب ائمه اطهار (علیهم‌السلام) سیراب گشته است.

یکی از اهداف اساسی این گرایش نیز آن است که به تعمیق شناخت فرهنگ سیاسی تشیع از طریق مطالعه در اندیشه‌ی رهبران انقلاب اسلامی بپردازد. باید توجه داشت که این گرایش به عنوان یکی از اطراف چهارگانه‌ی روشی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی خود امتزاج یافته از چند حوزه‌ی متعین و مجزا است که در ساحت‌های گوناگون اندیشه‌ی سیاسی رهبران انقلاب اسلامی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. حوزه‌های به کار رفته در تشکیل این گرایش در نمودار شماره چهار به روشنی نشان داده شده است.



جدول شماره چهار:
اندیشه سیاسی رهبران
انقلاب اسلامی و اجزای
بنیادین آن

در گرایش اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی چهار حوزه‌ی روشی با چهار دغدغه فکری روشی را برای شناخت یکی از ابعاد سیاسی انقلاب اسلامی فراهم می‌آورد که باعث معرفتی دقیق از این حوزه می‌گردد^۱. همان طور که نمودار شماره چهار نشان می‌دهد مبانی اندیشه‌ی سیاسی رهبران انقلاب اسلامی با مطالعه در فقه سیاسی، فلسفه سیاسی، کلام سیاسی، و در نهایت روش‌شناسی سیاسی امکان پذیر خواهد بود؛ زیرا آبشخور اندیشه‌ی رهبران همین چهارگانه بوده است. در روش‌شناسی مبانی روشی، شناخت روش‌های گوناگون اندیشه و در نهایت کاربری آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد. روش‌ها ذیل الگوهای اولیه‌ی معرفت‌شناختی و ثانویه‌ی روش‌شناختی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در خلال آنها منطق تبیین، منطق توصیف، روش‌های عقلی، نقلی، تاریخی، و تفهیمی مورد بررسی قرار می‌گیرند. سه مورد دیگر از این چهارگانه که در نمودار بالا آمد به صورت مستقل در اندیشه‌ی سیاسی رهبران انقلاب اسلامی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد و نتایجی همچون شناخت منظومه‌ی فقهی ایشان، گونه‌شناسی سیاست، و ارتباط دین و سیاست، ضرورت حکومت و

۱. برای مطالعه بیشتر در موضوع اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی ر. ک. جمشیدی، ۱۳۸۴؛ مختارپور قهرودی، ۱۳۸۹؛ و Klosko, 2012.

حکومت مطلوب، قلمرو ولایت فقیه و حدود و اطراف آن، و در نهایت دیدگاه‌های ایشان درباره‌ی مسائل اساسی اندیشه‌ی سیاسی همچون عدالت، آزادی، استقلال، هویت، قانون مداری، مردم سالاری، مشارکت سیاسی و مصلحت‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.^۱

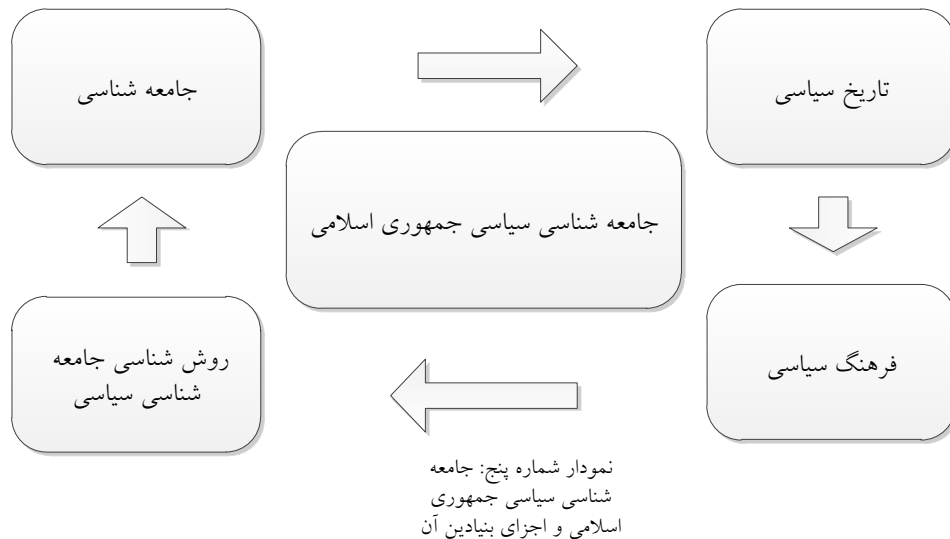
۲ - ۳. جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی

دامنه و گستره مفهوم انقلاب شامل زمینه‌ها و علل، روندها و مراحل، پی‌آمدها و نتایج است. که در این صورت جمهوری اسلامی به عنوان نهاد برآمده از انقلاب اسلامی در این گستره مفهومی جای می‌گیرد. پاسخ‌گویی به خواسته‌های اساسی و نیازهای روز کشور در راستای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی یکی از اهدافی است که در موجودیت یافتن گرایش جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی نقشی اساسی ایفا نموده است. برای ارزیابی آسیب‌های اجتماعی داخلی و یا بین‌المللی انقلاب اسلامی ناگزیر به کاربست این روش برای مطالعه‌ی سیاسی انقلاب اسلامی هستیم تا تصویری روشن از موقعیت جامعه‌شناختی سیاسی جمهوری اسلامی به دست آید.

جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی به مثابه یک گرایش از گرایش‌های چهارگانه‌ی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی خود محصول امتزاج چند حوزه‌ی تخصصی متفرد است که در دوران پیشامدرن به صورت مستقل شناخته می‌شده است. این همگشتگی باعث فهمی منطقی از این بعد سیاسی انقلاب اسلامی می‌گردد.^۲ این گرایش امتزاج یافته از اجزایی است که در نمودار شماره پنج به روشنی بیان شده است.

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک. برنامه درسی مقطع دکترای مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی قابل مشاهده در سایت www.msrt.ir.

۲. برای مطالعه بیشتر در موضوع جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی ایران ر. ک. رفیع پور، ۱۳۹۱؛ خواجه سروی، ۱۳۸۲؛ شفیعی، ۱۳۸۹.



همان‌طور که از نمودار بالا فهمیده می‌شود این گرایش چهار حوزه‌ی تخصصی را با هم تلفیق نموده و از این طریق موجبات فهم سیاسی همه‌جانبه‌ی جمهوری اسلامی با روش جامعه‌شناسی سیاسی را فراهم می‌آورد. یکی از اقتضات این نگاه شناخت روش‌های گوناگون تحقیق در حوزه‌ی جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی ایران و نحوه‌ی کاربرد آن در مسائل مختلف مرتبط با این حوزه است. همچنین این گرایش سعی در شناخت سیاست و حکومت در جمهوری اسلامی ایران را دارد. در واقع فهم نوع حکومت و مدل سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران از دغدغه‌های بنیادین این گرایش است. یکی از مسائل مهمی که در این گرایش به آن پرداخته می‌شود آن است که انواع نخبگان، ویژگی‌های ایشان و نقش آنان در جمهوری اسلامی چگونه است. مباحث مربوط به نخبگان از مسائل اساسی در جامعه‌شناسی سیاسی است که می‌تواند نقشی مهم در سیاست‌گذاری کلان کشور ایفا کند. البته از این نکته نباید غفلت شود که در این گرایش به شناخت گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و ارتباط آنها با سیاست‌های کلان نظام، نخبگان، طبقات اجتماعی، ساز و کارهای رقابت و رفتار انتخاباتی و همچنین آسیب‌شناسی جریان‌های سیاسی در جمهوری اسلامی پرداخته می‌شود.^۱

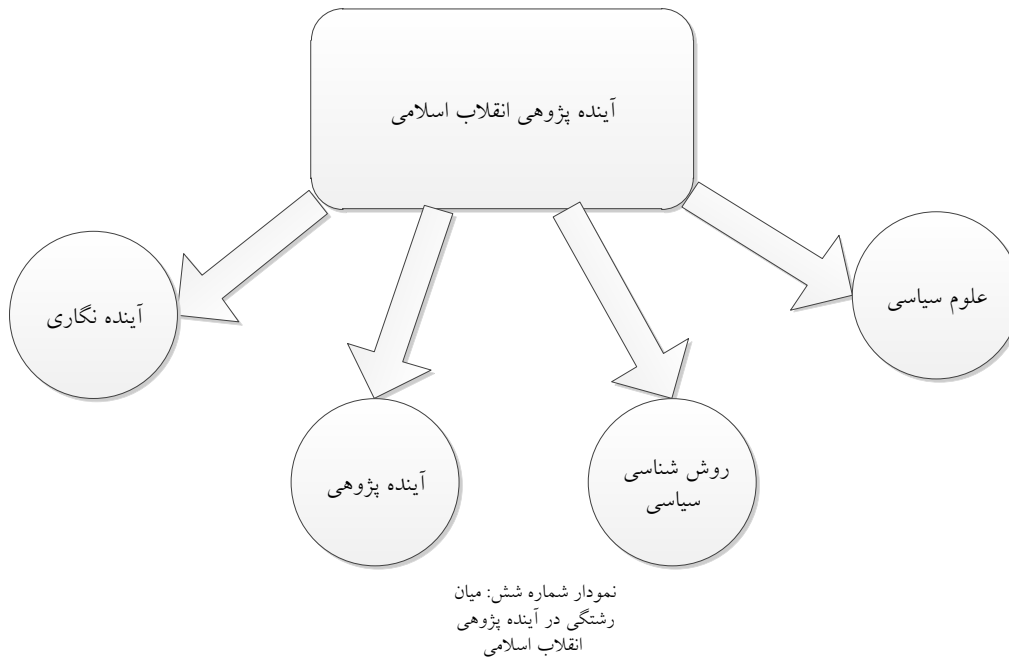
۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک. برنامه درسی مقطع دکترای مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی قابل مشاهده در سایت www.msrt.ir.

۳ - ۳. آینده پژوهی انقلاب اسلامی

برای آن که بتوان تصویری روشن از حدود تمدن نوینی که انقلاب اسلامی ایران نوید بخش آن بوده است به دست آید لازم است مطالعه‌ای فراگیر در زمینه‌ی آینده پژوهی و آینده نگاری انقلاب اسلامی صورت پذیرد. به عبارت دیگر مطالعه در آینده‌های محتمل و مطلوب پیش روی انقلاب اسلامی یکی از کارهای اساسی است که لزوم پرداختن به آن در یک فضای تخصصی و به شکلی مستقل ضروری می‌نماید. این ضرورت در حیطه‌ی رشته‌ی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی اهمیت و فوریتی دوچندان می‌یابد؛ زیرا مطالعه‌ی انقلاب اسلامی در چشم اندازی سیاسی امکان پذیر نخواهد بود مگر آنکه علاوه بر شناخت محیط داخلی این پدیده، به شناخت ابعاد محیطی - بیرونی آن نیز همت گمارده شود. بر اساس نمودار شماره سه پر واضح است که آینده پژوهی انقلاب اسلامی یکی از دوگانه‌ی مهم مطالعه‌ی سیاسی محیطی - بیرونی انقلاب اسلامی محسوب می‌گردد.

آینده پژوهی انقلاب اسلامی همان‌گونه که از عنوان آن پیداست خود حوزه‌ای میان رشته‌ای است که از امتزاج و ادغام چند حوزه‌ی کلاسیک مطالعاتی به وجود آمده است. حوزه‌هایی که هر یک به صورت مستقل به عنوان یک روش خاص جهت فهم یک پدیده کاربست می‌یابد و حدود مفهومی آن را مورد واکاوی قرار می‌دهد^۱. نمودار شماره شش حوزه‌های امتزاج یافته در تشکیل این گرایش را مشخص نموده است.

۱. برای مطالعه بیشتر در موضوع آینده پژوهی انقلاب اسلامی ر. ک. منوچهری، ۱۳۸۸؛ الویری، ۱۳۸۶؛ Bell, 2003.



همان طور که در نمودار بالا مشاهده می‌گردد این گرایش خود از چهار حوزه تخصصی تشکیل شده است. لزوم مطالعه‌ی روش‌شناسی آن است که محققان در این گرایش با ابزارهای تخصصی گردآوری و تحلیل داده‌ها در فضای آینده‌پژوهی آشنا شده و روش‌های کاربردی این شیوه‌ها را در تحقیقات خود مورد بررسی قرار دهند. از همین طریق است که ایشان مسائل حوزه‌ی آینده‌پژوهی را در مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی واکاوی می‌نمایند و کاربرد روش‌های آینده‌نگاری و آینده‌پژوهی را در این زمینه‌ها فرامی‌گیرند. یکی از اهداف اساسی این گرایش آن است که تاثیر انقلاب اسلامی را در آینده‌ی نظام بین‌المللی مورد بررسی قرار دهد به این صورت که آرمان‌های انقلاب اسلامی همچون عدالت، آزادی، مردم‌باوری، عزت، رفاه، استقلال، و ... به صورت تخصصی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و راه‌ها و موانع تحقق آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در همین راستا طرح تحقق تمدن نوین اسلامی به عنوان آینده‌ی مطلوب و متوقع انقلاب اسلامی مورد بررسی تخصصی قرار می‌گیرد. یکی از مسائل پر اهمیت که در این گرایش به آن تاکید بلیغ می‌گردد لزوم سناریو نویسی برای انقلاب اسلامی و تبیین و تحلیل هر یک از این سناریوها است. به عبارت دیگر سناریوها در سه حیطه‌ی نظری، عملی، و ماهیتی مورد شناسایی قرار می‌گیرند و از همین مجرا چگونگی گسترش آرمان‌های انقلاب اسلامی که در دل آن سناریوها نهفته است طراحی می‌گردند. طبیعی است که وقتی آینده‌پژوهی در مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی به کار برده می‌شود لازم است که ربط آینده‌پژوهی در

مطالعات اسلامی و جایگاه این تخصص در اسلام پژوهی مورد مطالعه قرار گیرد، به همین علت محققان در این گرایش به بررسی و تبیین جایگاه و اهمیت آینده پژوهی در مطالعات اسلامی می‌پردازند.^۱

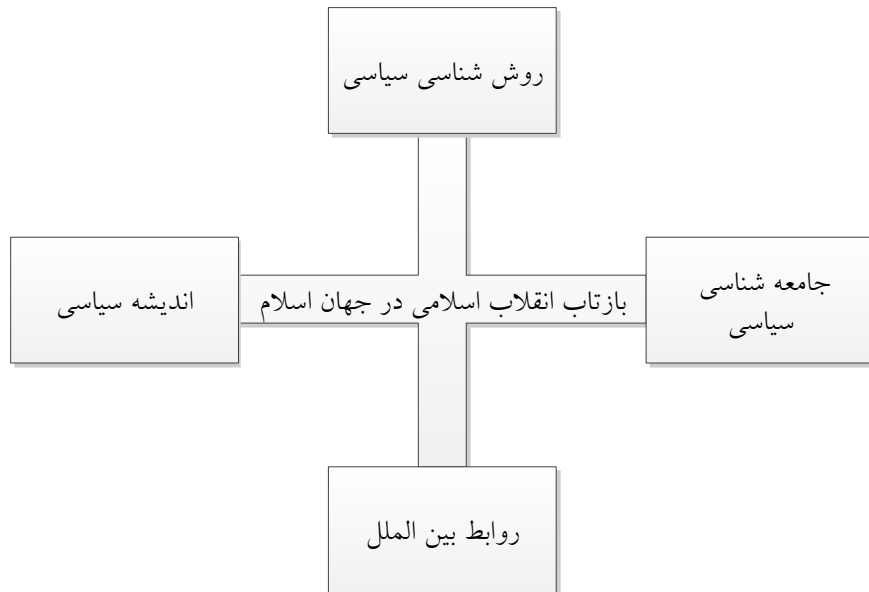
۴ - ۳. بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام

یکی از راه‌های بررسی میزان اهمیت یک پدیده در جهان خارج آن است که تاثیرات آن پدیده بر دنیای پیرامون آن بررسی، تحلیل، و واکاوی گردند. هر قدر یک پدیده و آرمانی که در دل آن نهفته است تاثیری عمیق‌تر بر جنبش‌ها و نظریات موجود در عصر خود داشته باشد، اهمیت و اعتبار آن به عنوان مسئله‌ی پژوهش بیشتر خواهد شد. به عبارت دیگر شدت آثار انقلاب اسلامی بر نظریه‌ها و جنبش‌هایی که بعد از آن در جهان اسلام به وقوع پیوستند به مثابه سنگ محکی است که فراگیری، شمولیت، و عقل‌پذیر بودن آن را بیش از پیش تایید می‌کنند.

بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام به عنوان گرایشی در رشته‌ی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی اساساً بنیانی بین رشته‌ای است که از ترکیب حوزه‌های گوناگون تشکیل شده است. حوزه‌هایی که هر یک به عنوان رشته‌ای مستقل در دوران کلاسیک دانش محسوب می‌شده‌اند.^۲ شناخت این حوزه‌ها تا حد زیادی می‌تواند شناسای اهداف این گرایش باشد و راه را برای شناخت آن هموار نماید. برای فهم بهتر از حدود مفهومی این گرایش رشته‌های تخصصی امتزاج یافته در تشکیل آن در نمودار شماره هفت آورده شده است.

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک. برنامه درسی مقطع دکترای مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی قابل مشاهده در سایت www.msrt.ir.

۲. برای مطالعه بیشتر در موضوع بازتاب انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام ر. ک. برزگر، ۱۳۹۱؛ خاتمی و بحرانی، ۱۳۹۲؛ درخشه، ۱۳۸۴.



نمودار شماره هفت: میان
رشتگی در گرایش بازتاب
انقلاب اسلامی

همان‌طور که از نمودار شماره هفت پیداست این گرایش ریشه در چهار حوزه‌ی تخصصی علوم سیاسی در معنای کلاسیک خود دارد. در روش‌شناسی سیاسی سطوح مختلف تحلیل بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران از جمله سطح افراد، سطح دولت‌ها و نظام‌های سیاسی، سطح نهضت‌ها، حرکت‌ها و احزاب، سطح راهبردهای منطقه‌ای و جهانی، سطح تحول در قطب بندی نظام بین‌المللی، سطح نظریه‌ها و در نهایت سطح اندیشه مورد بررسی قرار می‌گیرد، روش‌های قیاسی و استقرایی و خرده‌روشی‌هایی که از دل این دو کلان‌الگو بیرون می‌آیند مورد مطالعه قرار گرفته و انواع داده‌های تخصصی این گرایش و ابزار گردآوری آنها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

جریان بیداری اسلامی که از سال ۲۰۱۰ و در پی انقلاب مردمی تونس شکل گرفت و سپس در تعدادی از کشورهای مهم عربی همچون مصر، لیبی، یمن، و بحرین شکل گرفت و ادامه یافت از مهم‌ترین تحولات منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا در این دوران محسوب می‌گردد. جریانی که بسیاری از تحلیلگران از همان ابتدا آن را در عداد بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران به حساب می‌آورند. یکی از مسائل مهمی که در این گرایش به آن پرداخته می‌شود تاثیر بازتاب انقلاب اسلامی بر جریان بیداری اسلامی است که از طریق مطالعه مبانی انقلاب اسلامی و تاثیر آن بر بیداری اسلامی، مباحث مربوط به صدور انقلاب، شناخت وجوه تشابه و تفاوت انقلاب اسلامی با بیداری

اسلامی، و در نهایت تاثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌های بیداری در تمام سطح جهان بررسی می‌گردد. البته بررسی بازتاب‌ها منحصر در جریان بیداری اسلامی نیست، بلکه در این گرایش به بررسی تاثیر انقلاب اسلامی بر تمامی جنبش‌های جهان اسلام نیز پرداخته می‌شود. یکی دیگر از حوزه‌های پر اهمیت که در این گرایش مورد بررسی است، تاثیرات نظری انقلاب اسلامی بر تحول علوم اجتماعی، نظریات انقلاب، نظریات روابط بین‌الملل، اندیشه سیاسی اسلام، و فقه سیاسی شیعه است.^۱

۵ - ۳. مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی و همگشتگی حوزه‌های روش‌شناسی

با تامل در مطالب مذکور در سطور پیشین این نوشتار، جایگاه مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی به مثابه دانشی بین‌رشته‌ای مشخص گردید. بر این اساس در نمودار شماره هشت، مدلی مفهومی از حدود موضوعی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی ترسیم شده است.

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک. برنامه درسی مقطع دکترای مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی قابل مشاهده در سایت www.msrt.ir.

شناسی سیاسی جمهوری اسلامی برای مطالعه در ابعاد درونی آن، و آینده پژوهی انقلاب اسلامی و بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام برای مطالعه در ابعاد محیطی / بیرونی آن. این اجزای چهارگانه در یک الگوی ارگانیک و با کمک یکدیگر روشی منطقی و معقول در فهم انقلاب اسلامی از منظر سیاسی فراهم می‌آورند.

هر کدام از این چهارگانه‌ی اصلی، خود از چهارگانه‌ی فرعی دیگری همگشته شده است که روشی مناسب با هر یک از این ابعاد را به وجود آورده است. این چهارگانه‌ی فرعی با یاری یکدیگر منجر به شناخت هر یک از اطراف اصلی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی می‌شوند. ربط این چهارگانه‌های فرعی با چهارگانه‌های فرعی دیگر ارتباط بزرگتری است که به وسیله‌ی هر یک از چهارگانه‌های اصلی با یکدیگر به وجود آمده است. به عبارت دیگر ارتباط چهارگانه‌های فرعی با چهارگانه‌های فرعی دیگر ارتباطی مستقل به حساب نمی‌آید، بلکه وابسته به ارتباط هر یک از ابعاد چهارگانه‌ی اصلی با یکدیگر است.

در نهایت از دل این ارتباط پیچیده شناختی جامع الاطراف از مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی حاصل می‌شود، شناختی که حاصل همگشتگی حوزه‌های مختلف روش‌شناسی است. حوزه‌هایی که در دوران میان‌رشته‌گی هر یک به صورت مستقل و متعین فرض می‌شد و از قلمرو خاص خود برای شناخت بهره می‌گرفت. این قلمروهای مستقل در جریان یک امتزاج و همگشتگی و در قالب یک ساختار به هم تنیده شده به شکل مدل مذکور ترکیب شدند و پیکره‌ای ارگانیک را جهت فهم سیاسی انقلاب اسلامی به وجود آوردند. پیکره‌ای که به شناخت همه جانبه، عمیق و جامع الاطراف از بُعد سیاسی انقلاب اسلامی انجامیده است.

۴. نتیجه گیری

در پاسخ به سوال اصلی مقاله که رشته‌ی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی چگونه توانسته است به شناختی جامع از حوزه‌ی معرفتی سیاسی انقلاب اسلامی دست یابد؟ طبق یافته‌های این مقاله مطالعات انقلاب اسلامی خود حوزه‌ای بین رشته‌ای محسوب می‌گردد که شش حوزه‌ی کلان شامل مطالعات سیاسی، مطالعات فرهنگی، مطالعات تاریخی، مطالعات اجتماعی، مطالعات فقهی، و مطالعات فلسفی - کلامی را در بر می‌گیرد.

پژوهش حاضر در پی پاسخ به سوال اصلی در پی این بود تا نشان دهد که چگونه مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی به عنوان یک حوزه‌ی تخصصی از مطالعات انقلاب اسلامی توانسته است

کلیت انقلاب اسلامی را از چشم انداز سیاسی مورد مطالعه قرار دهد. در این راستا سعی شد با ذکر مطالبی و ترسیم مدل و نمودارهایی، چگونگی و علل توفیق رشته‌ی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی در شناخت جامع الاطراف بُعد سیاسی انقلاب اسلامی نشان داده شود.

قرار گرفتن مفهوم سیاسی انقلاب اسلامی در تقاطع روش‌های چهارگانه‌ی اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی، جامعه‌شناسی سیاسی جمهوری اسلامی، آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، و بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام توانسته است ابعاد وسیعی از مباحث سیاسی انقلاب اسلامی را در دو ساحت معرفت درونی و معرفت بیرونی - محیطی مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد این رشته‌ی مطالعاتی/انقلاب/اسلامی را از منظر سیاسی ذیل چهار روش مورد مطالعه قرار می‌دهد تا به شناختی منطقی از هر آن چه در حدود مفهومی آن قرار دارد دست یابد: برای شناخت ابعاد درونی سیاسی انقلاب اسلامی به کاربرست دو حوزه‌ی روشی اندیشه‌ی سیاسی رهبران انقلاب و جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب می‌پردازد و برای شناخت ابعاد سیاسی بیرونی انقلاب اسلامی دو روش آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، و بازتاب انقلاب اسلامی را به کار می‌برد.

باید توجه داشت که اساساً بر تمامی برساخته‌های بشری انتقاداتی وارد و اشکالاتی مترتب است و رشته‌ی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نبوده و به عنوان نهال نوپا در نظام آموزش عالی ایران در حال بالندگی و شکوفایی است و به موقع خود نیاز به اصلاح و به روز شدن دارد. در نمودارهای شماره چهار و هشت نشان داده شد که مطالعه در فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی تنها به صورت جزئی از گرایش اندیشه‌ی سیاسی رهبران انقلاب اسلامی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر مسئله‌ی فلسفه‌ی سیاسی انقلاب اسلامی نه به عنوان گرایشی مستقل بلکه در مقام یکی از اجزای چهارگانه‌ی یک گرایش از مجموع چهار گرایش مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی بررسی می‌شود. با توجه به ماهیت و ابعاد گسترده انقلاب اسلامی به نظر می‌رسد طراحی و اجرای دوره‌های تحصیلات تکمیلی در باره حوزه‌های مطالعاتی اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، فلسفی - کلامی و اجتماعی انقلاب اسلامی می‌تواند کمک شایانی به شناخت جامع انقلاب اسلامی کرده و به نوبه خود آثار شگرفی در زمینه تحول علوم انسانی و علوم سیاسی در کشور داشته باشد و به نیازهای داخلی و خارجی موجود پاسخ دهد.

منابع

۱. آر، لایسا (۱۳۸۷)، *چالش‌ها و چشم اندازهای مطالعات میان رشته‌ای*، مترجم: سید محسن علوی پور و همکاران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲. اردستانی، علی (۱۳۸۸)، *ساختار و ماهیت روش شناسی در علم سیاست*، تهران: قومس.
۳. افتخاری، قاسم (۱۳۸۷)، «*تلاش ناکام تحمیل بینش فلسفی به روش علمی در قرن بیستم*»، پژوهش نامه علوم سیاسی، سال ۳، شماره ۳، تابستان.
۴. التهاوی، محمد علی (۱۹۹۶)، *موسوعه کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم*، بیروت: مکتبه لبنان.
۵. الویری، محسن (۱۳۸۶)، «*آینده پژوهی در اسلام*»، در کتاب الفبای آینده پژوهی، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی کرانه علم.
۶. برزگر، ابراهیم (۱۳۸۷)، «*تاریخچه، چیستی و فلسفه پیدایی علوم میان رشته‌ای*»، *فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، سال اول، شماره یک، زمستان.
۷. برزگر، ابراهیم (۱۳۹۱)، «*نظریه‌های بازتاب انقلاب اسلامی*»، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۸. جمشیدی، محمد حسین (۱۳۸۴)، «*اندیشه سیاسی امام خمینی*»، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۹. حشمت زاده، محمد باقر (۱۳۸۹)، «*آموزش و پژوهش علوم سیاسی در ایران. روش کارگاهی و آزمایشگاهی*»، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۰. حقیقت، سید صادق (۱۳۸۲)، «*بحران روش شناسی در علوم سیاسی*»، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۶، شماره ۲۲، تابستان.
۱۱. خاتمی، محمدرضا؛ بحرانی، مرتضی (۱۳۹۲)، «*دایره المعارف جنبش‌های اسلامی*»، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۲. خلیلی، محسن (۱۳۸۹)، «*بنیان‌گذاری گروه درس‌های روش شناسی در دوره کارشناسی علوم سیاسی (دانش افزایی میان رشته‌ای)*»، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره سوم، زمستان ۸۹، شماره ۱.
۱۳. خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۲)، «*رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در نظام‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران*»، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۴. درخشه، جلال (۱۳۸۴)، «*گفتمان سیاسی شیعه در ایران معاصر*»، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۵. ذوعلم، علی (۱۳۹۳)، «*فلسفه مطالعات انقلاب اسلامی*»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، بهار ۹۳، شماره ۳۶.
۱۶. رزکوله، نیکول (۱۳۸۸)، «*آموزش دانشگاهی و مطالعات میان رشته‌ای: چارچوبی برای تحلیل، اقدام، و ارزیابی*»، مترجم: محمد رضا دهشیری، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۷. رفیع پور، فرامرز (۱۳۹۱)، «*توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و*

مسائل اجتماعی ایران، تهران: انتشار.

۱۸. سریع القلم، محمود (۱۳۸۶)، *روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین الملل*، تهران: فروزان روز.

۱۹. سیدامامی، کاوس (۱۳۸۶)، *پژوهش در علوم سیاسی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.

۲۰. شفیع، محمود (۱۳۸۹)، *جامعه شناسی سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.

۲۱. صدیقی، کلیم (۱۳۵۷)، *نهضت های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران*، مترجم: سیدهادی خسروشاهی، تهران: اطلاعات.

۲۲. عیوضی، محمد رحیم (۱۳۹۵)، «آینده پژوهی سیاسی»، راهبرد، سال ۲۵، شماره ۷۹، تابستان.

۲۳. محمدی، منوچهر (۱۳۸۸)، «برخورد تمدن ها یا برخورد با نظام سلطه»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۶.

۲۴. مختارپور قهرودی، علیرضا (۱۳۸۹)، *معارف انقلاب: مروری بر دیدگاه های حضرت آیت الله خامنه ای درباره انقلاب اسلامی*، تهران: انقلاب اسلامی.

۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، *بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر*، قم: صدرا.

۲۶. میلز، سی رایت (۱۳۸۲)، *بیش جامعه شناختی*، مترجم: عبدالمعبود انصاری، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۲۷. هوشمندیار، نادر (۱۳۸۸)، *روش تحقیق در مدیریت، مدیریت سیاسی و روابط بین الملل*، تهران: هزاره سوم اندیشه.

28. Bell, Wendell(2003), *Foundation of Future Studies: History, purposes, and Knowledge* (Human Science for New Era), London: Transaction Publisher.
29. Carter, Stacy.M & Little, Miles (2007), "Justifying Knowledge, Justifying Method, Taking Action: Epistemologies, Methodologies and Methods in Qualitive Research", *Qualitive Health Research*, Vol.17, No.10.
30. Heidegger,Martin(1997), *Science and Reflection in the Question Concerning Technology and Other Essays Trans*, NewY ork: Harper and Row.
31. Harding, S (1998), *The Foundation of Social Research*, London: Sage Publication.
32. Klosko, George(2012), *The Oxford Handbook of History of Political Philosophy*, Oxford: Oxford University Press.